نخستین ژنرال مقاومت

درباره زندگی و زمانه «عزالدین قسام» که پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی بود

۲

قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ‌و‌معارف‌رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۵۱۱ |

نکته‌ها/حجت‌الاسلام قرائتی

برخوردهای تربیتی باید همراه با عاطفه باشد

۲

۲ پژوهشگر از ویژگی‌های کتابخانه و موزه ملی ملک می‌گویند

نقش پررنگ یک موقوفه در چرخه دانش

۴

کتاب «شهاب دین»
روایت زندگی آیت‌الله مرعشی نجفی رونمایی شد

از حذف وعده ناهار تا کارگری برای خرید نسخه‌های خطی

۳

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان:

ضرورت بندگی خدا «برده دیگران نبودن» است

۲

بازخوانی وضعیت یکی از بازارهای قدیمی مشهد با مرور یک سند ۲۹۳ ساله

گزارش اوضاع وخیم «بازار مسگران»

محمدحسین نیکبخت| بازار در الگوی شهرسازی ایرانی، نبض تپنده شهر و پررفت و آمدترین مکان آن محسوب می‌شود؛ با این حال، بازار در تاریخ مشهد، فاقد آن مرکزیتی است که در دیگر شهرها وجود دارد. اینجا، قلب تپنده شهر، حرم رضوی است و آنچه شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد، باید بر اساس الگوی جغرافیایی منطبق با مرکزیت این مکان مقدس باشد. هر چند که در دهه‌های اخیر، توسعه ناهمگون فضای شهری موجب شده است که الگوی سنتی توسعه در این شهر، دچار تغییرات و بلکه بدعت‌هایی شود. بگذریم؛ در طول تاریخ، بازارهای مشهد همیشه در اطراف مرکزیت واقعی شهر شکل گرفته‌اند؛ بازارهایی که در صفحه رواق، بعضاً از آن‌ها یاد کرده‌ایم: بازار ساعت، بازار کلاهدوزها، بازار حجارها و... . برخی از این بازارها در بازسازی‌ها و برنامه‌های توسعه در یک قرن اخیر، تخریب و به بخشی از حرم مطهر یا خیابان‌ها و گذرهای اطراف آن تبدیل شده‌اند و یاد و خاطره‌ای از آن‌ها، جز در کتاب‌ها یا حافظه سالمندان این دیار، باقی نمانده است. بازار مسگران یکی از این بازارهای قدیمی محسوب می‌شود که روزی روزگاری در کوچه عباسقلی‌خان و سراهای اطراف آن که بخشی از محله پایین‌خیابان مشهد به حساب می‌آید، مستقر بود. البته رد و نشانی از مسگرهای مشهد را می‌شد در برخی دیگر از محلات پرجمعیت شهر مانند نوغان و راسته مشهورش نیز پیدا کرد؛ اما محل اصلی بازار مسگران که در کنار آن، آهنگران، قفلگران، حلبی‌سازها و برخی مشاغل مشابه دیگر، یک مجموعه حرفه‌ای را به وجود می‌آوردند، در همان محله پایین‌خیابان و حوالی بازار عباسقلی‌خان قرار داشت. از زمان تخریب بازار مسگران، خیلی نمی‌گذرد؛ این بازار را در سال ۱۳۵۴شمسی تخریب کردند تا فلکه حضرت را توسعه بدهند؛ فلکه‌ای که در مرکز آن حرم رضوی قرار داشت و کسانی که سنشان بیش از ۴۰ سال است، آن را با دیوارهایی که فضای اماکن متبرکه را از فضای فلکه جدا می‌کرد، به یاد می‌آورند. درباره بازار مسگران و برخی بازارهای اطراف آن، معدود سندهایی در مرکز اسناد آستان قدس رضوی یافت می‌شود که عموماً مربوط به اجاره مغازه‌ها و فضاهای موقوفه است و ما امروز به بررسی یکی از آن‌ها می‌پردازیم.

■ حرف‌های یک سند درباره بازار مسگران

سند امروز که با شماره ۳۴۷۱۰/۶ در مرکز اسناد آستان قدس نگهداری می‌شود، مربوط به ماه صفر سال ۱۱۴۲قمری / شهریورماه ۱۱۰۸شمسی است؛ دورانی که مشهد روزگار بدی را از سر می‌گذراند. کشور درگیر شورش‌ها و جنگ‌های گسترده پس از سقوط دودمان صفویه است و نادرشاه تلاش می‌کند قدرت خود را بر دیگران دیکته کند. او حدود سه سال پس از تنظیم این سند، نایب‌السلطنه ایران شد و ۶سال پس از نگارش این مکتوب، در سال ۱۱۱۴شمسی حکومت را بدست آورد. متن سند به خوبی از اوضاع و احوال مشهد آن روزگار گزارش می‌دهد، موضوع سند، وضعیت دکان‌های خالی، تخریب شده یا در حال تخریبی است که در بازار مسگران و اطراف آن قرار داشته‌اند: «حاجی‌آقا محمد، خازن سرکار، از قرار قبض به تاریخ ۱۴ شهر صفر سنه ۱۱۴۲ (۱۷ شهریور ۱۱۰۸) آن که مبلغ شصت و دو تومان و شش هزار دینار عراقی به جهت اخراجات دکاکین خراب متعلقه سرکار (آستان قدس) در بازار مسگران در معامله تخاقوی‌ئیل (سال مرغ) به معرفت وکلاء (تأیید نمایندگان) ... عالی‌جاه ... میرزا محمدتقی الرضوی المتولی واصل و عاید العبدالاقل محمد خازن سرکار گردید».

از آنجا که تعیین میزان درآمد موقوفه‌ها برای هزینه کردن آن مطابق نیت واقف، ضرورت بسیار داشت و از طرفی، فقدان این درآمد به هر دلیل، باید در حساب‌های آستان قدس ثبت و ضبط می‌شد، به ناچار حسابدار - در اینجا «حاجی‌آقا محمد خازن سرکار» - باید موضوع فقدان عایدی را طی یک قبض، به تأیید متولی آستان قدس - در اینجا میرزا محمدتقی رضوی - یا وکلای وی می‌رساند تا در حساب سالانه لحاظ شود و به قول امروزی‌ها، مشکلی در ترازنامه پیش نیاید. سندی که از آن یاد کردیم، افزون بر نشان دادن شرایط آن روزگار مشهد، اشاره‌ای مستقیم به بازار مسگران دارد که با توجه به مبلغ بالای درآمد حاصل از اجاره موقوفه آن، ظاهراً تعداد زیادی مغازه را در بر می‌گرفته است. از سوی دیگر، این سند اسباب آشنایی ما با متولی این دوره یعنی میرزا محمدتقی رضوی را فراهم می‌کند؛ می‌دانیم که سادات رضوی به ویژه در دوره‌های فترت و زمانی که به دلیل سقوط یک حکومت یا مرگ یک فرمانروا، اوضاع کشور به هم می‌ریخت و آشوب فراگیر می‌شد، نقش مهمی در حفظ و ثبات وضعیت مشهد ایفا می‌کردند.

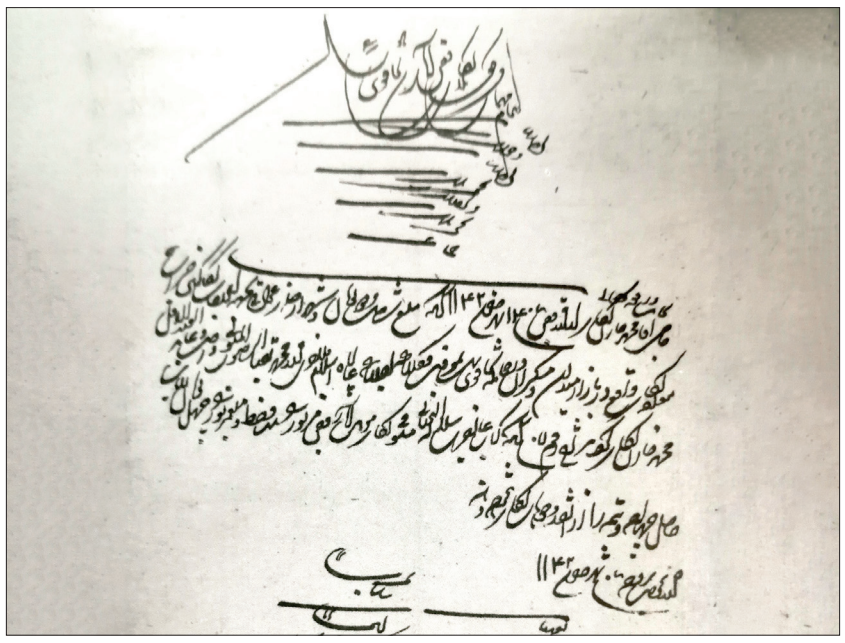

رواق هنر

به نام مبارک رضا علیه‌السلام

کارگاه تخصصی «تایپوگرافی بر مبنای خط ثلث» با حضور علیرضا بهدانی، هنرمند برجسته رشته نقاشی‌خط در مکتب هنر رضوان مشهد برگزار شد. استاد بهدانی در این کارگاه تخصصی که بعدازظهر روز گذشته به عنوان یکی از رویدادهای «رواق هنر» با حضور جمعی از هنرمندان جوان گرافیست در مکتب هنر رضوان برپا شد، آثاری با محوریت عبارت «علی بن موسی الرضا(ع)» با استفاده از قلم‌نی و مرکب و رنگ در فرم‌های مختلف به خط ثلث کتابت کرد. وی ضمن کتابت آثار، توضیحاتی نیز در خصوص قابلیت‌های گرافیکی برخی از حروف ارائه داد. تنی چند از هنرجویان حاضر در این کارگاه نیز به خلق اثر زیر نظر استاد بهدانی پرداختند. در حاشیه کارگاه تایپوگرافی؛ محمد فنودی، رئیس اداره آموزش و پژوهش مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی گفت: منظور از تایپوگرافی، فن و چیدمان حروف در راستای خلق فرم‌های بصری معنادار است. وی افزود: گرافیست‌ها حتماً نیاز نیست که خوشنویس باشند، آن‌ها می‌توانند با آشنایی با حروف، آثارشان را خودشان طراحی کنند و سپس کتابت این آثار را به هنرمندان خوشنویس بسپارند. شایان ذکر است، مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی با همکاری مؤسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مؤسسه آموزش عالی فردوس و مرکز آموزش عالی فنی و حرفه‌ای الزهرا(س)، رویدادهای هنری- پژوهشی مشترک رواق هنر را با محوریت مکتب هنر رضوی، از ۲۶ آذر تا ۵ دی ۱۴۰۱ در شهر مشهد برگزار می‌کند.

منبرمجازی

حُسن معاشرت

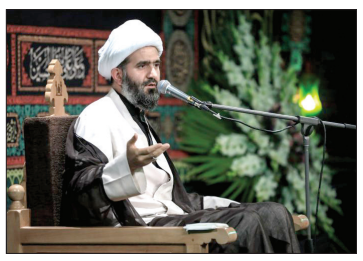

حجت‌الاسلام شریفیان| به جز بحث آیه شریفه انّما المؤمنونَ اِخوه که اشاره به روابط مؤمنان با هم دارد، ما مأمور به یک حسن معاشرت و حسن مجاورت با کسانی هستیم که تفاوت‌هایی با ما دارند... در زمان نبی اکرم(ص)، حضرت مجاورت داشتند با کسانی که حتی مشرک بودند، در مدینه با کسانی مجاورت داشتند که موحد بودند ولی دعوت حضرت را لبیک نگفتند... با این‌ها هم حضرت یک حسن معاشرتی دارند. در زمان معصومین(ع) هم این مسئله به یک نحوی وجود داشته است... در «دارالهدنه» که دوره‌ای است که شیعیان به یک معنا با عامه زندگی می‌کنند و ارتباطی با هم دارند، در مقابل کفار مأمور به وحدت جامعه هستند... امروز هم ما به شکلی درگیر با این مسئله هستیم ... بسیاری از آسیب‌های اجتماعی که ما امروز داریم از همین جاست؛ از آنجایی که حسن مجاورت و معاشرت ما به هم ریخته است، دشمن هم دارد در آن می‌دمد. ما هم که تکالیفمان را رها می‌کنیم، آن وقت جامعه شکننده می‌شود... روابط سست می‌شود.

خب روایت‌هایی داریم در باب همین مسئله که اهل بیت(ع) تکالیفی را از ما خواسته‌اند در ارتباط با کسانی که تفاوت جدی با ما دارند. نه صرفاً اختلاف نظر، حتی اختلاف عقیده دارند... حضرات معصومین(ع) در این موارد یک فضای صلح را فراهم می‌کنند ... فضایی که در آن آداب مجاورت و معاشرت هست. غیر از آدابی که با برادران دینی هست... حالا آداب و وظایف و تکالیف ما در برابر برادران دینی خیلی سنگین است... آدم وحشت می‌کند. در روایت‌ها داریم که طرف می‌گوید من خدمت حضرت امام صادق(ع) داشتم طواف واجب خانه خدا را می‌کردم ، یک نفر بیرون مطاف اشاره کرد و مرا صدا زد... نخواستم لذت طواف کنار حضرت را از دست بدهم... اشاره کردم صبر کن یک دور دیگر بزنم... حضرت فرمودند این بنده خدا از شیعیان بود؟ گفتم بله... گفتند چرا نمی‌روی؟ برادر مؤمنت تو را صدا زده و نمی‌روی؟ وظایف ما در قبال معاشرت با دیگران بسیار سنگین است ... از امام باقر(ع) نقل شده که امیرالمؤمنین(ع) فرموده‌اند: شیعه امیرالمؤمنین(ع) باید زینت قبیله و جمعی باشد که در آن کار و زندگی می‌کند. حالا در آن قبیله شیعه و اهل سنت و... هم ممکن است زندگی کنند. دقت کنیم این‌ها اگر روزگاری به عنوان آداب زندگی معرفی شده، امروز فراتر از آداب، تبدیل به ضرورت زندگی ما شده است. در بعضی از روایت‌ها تعابیری وجود دارد که کسی اگر این ضرورت‌ها را رعایت نکرد از ما اهل بیت(ع) نیست.

نیمکت زندگی

زندگی جام جهانی است

رقیه توسلی| گاهی فرقی نمی‌کند رنگ پرچم و پوست و زبانت... ملیتت... اینکه از اکوادور باشی یا هلند یا مکزیک، ژاپن یا سنگال... اسمت «گریزمان» باشد یا «مسی» یا «ایجی کاواشیما» یا «پورعلی گنجی»... فرقی نمی‌کند چه کنی. زباله‌ها را از استادیوم برداری یا عبا و دشداشه بپوشی و با حفظ چند جمله عربی دل میزبانت را ببری یا با پسربچه کانادایی عکس یادگاری بندازی ... فرقی نمی‌کند زن باشی یا مرد... پولت از پارو بالا برود یا با فروش خودرو زیر پایت رسیده باشی تا قطر... بیکار باشی یا از رئیست مرخصی جام جهانی گرفته باشی... تماشاچی باشی یا پلیس یا داور چهارم یا توپ جمع‌کن... کم‌حرف باشی یا پُرحرف.

به نظرم مهم این است که بدانی زندگی یک بار بیشتر اتفاق نمی‌افتد و باید زندگی را زندگی کنی. آن طور که درست و حق است. باید طعمش را بچشی نباید بگذاری برای بعد. برای فردا. چون از دهن می‌افتد.

تلویزیون روشن است. نشسته‌ایم پای آخرین بازی جام ۲۰۲۲. مبارزه آرژانتین و فرانسه را نگاه می‌کنیم با کاسه‌ای تخمه. کلی مدافع و مهاجم توی مستطیل سبز می‌دوند برای پیروزی. برای رسیدن به رؤیاها. برای شادی دل خودشان و کلی آدم منتظر دیگر. می‌بینم فوتبال عجیب شکل زندگیست. تویش شکست معنا دارد، موفقیت معنا دارد، همدلی، خودخواهی، عصبانیت، امید، خنده، دوستی، اشک، احترام و مُشتی صفات دیگر. با اینکه همیشه جغرافیایم ضعیف بوده و تعریفی نداشته به گمانم قطر دیگر از یادم نرود. کشور دینداری که ستاره‌ها، تماشاگران و بیننده‌ها را با آداب و سنت‌هایش آشنا کرد، قطری که با قرآن افتتاحیه‌اش را سوت زد، ترویج اسلام کرد و بارها نام فلسطین مظلوم را رساند به گوش عالم.

سنجاق

پیامبر اکرم(ص): دنیا متحول و در گردش است، نوبتی است. آن گاه که نوبتش به تو برسد، به سراغ تو می‌آید، هر چند ناتوان باشی و آن گاه که به زیان تو شود، با همه قدرتت هم نمی‌توانی آن را دفع کنی.

نازه‌های نشر

از وصیت‌نامه مالی تا وصایای سیاسی در کتاب «فاطمه؛ چشمه جوشان هستی»

نویسنده در کتاب «فاطمه(س) چشمه جوشان هستی» تلاش کرده شمه‌ای از شکوه سیرت بانوی دو عالم، حضرت زهرا(س) را رویت کند. به گزارش خبرگزاری تسنیم، چاپ چهارم کتاب «فاطمه(س) چشمه جوشان هستی» به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین احمد زمانی در ۴۹۴ صفحه از سوی مؤسسه بوستان کتاب روانه بازار نشر شد.

درباره زندگانی کوتاه، بابرکت و پر فراز و نشیب ام‌الائمه، حضرت فاطمه زهرا(س) کتاب‌ها و رساله‌های بسیار از قرن اول تا عصر حاضر نوشته شده و بزرگان اهل قلم شامل مسلمانان و غیرمسلمانان آثار متنوعی به نگارش درآورده‌اند، اما حیات اعجاب‌برانگیز ایشان به صورتی است که هر چه تأمل و تعمق بیشتر شود، همچنان نکات نو، سازنده، کاربردی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دیگری یافت می‌شود. کتاب حاضر، زندگی درس آموز و الگوی همه زنان جهان را در پنج بخش بررسی کرده است؛ بخش نخست این اثر که با عنوان «نیمه اول عمر پربرکت فاطمه(س) در مکه مکرمه» منتشر شده، مشتمل بر زمان ولادت و چگونگی آن، اسامی و القاب پرمحتوای صدیقه طاهره(س) و دوران کودکی و نوجوانی فاطمه در مکه مکرمه است.

در بخش دوم این اثر با عنوان «والاترین الگوی زنان جهان» به سه فصل با عناوین ازدواج پربرکت و به یاد ماندنی، اداره زندگی و مبانی استحکام خانواده و شناخت فاطمه در منابع سه‌گانه پرداخته شده است.

سومین بخش از این اثر در سه فصل و ۱۱ گفتار به جلوه‌های عصمت و هدایت‌گری در سیره حضرت فاطمه(س) می‌پردازد: در این بخش، سیره عبادی، اقتصادی و سیاسی فاطمه(س)، حجاب و عفاف آن حضرت و فدک به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه مالی ولایت در اختیار فاطمه(س) مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش چهارم کتاب «فاطمه چشمه جوشان هستی» به وصیت‌ها و حوادث روزهای پایانی عمر صدیقه طاهره(س) در سه فصل با عناوین مجموعه وصیت‌های حضرت فاطمه(س)، حوادث واپسین روزهای حیات و شهادت آن حضرت و شهادت مظلومه عالم پرداخته شده است. در این اثر، وصیت‌نامه حضرت فاطمه زهرا(س) در دو دسته بیان شده است: دسته اول مربوط به وصیت‌نامه «مکتوب مالی» می‌شود که در آن به توصیه آن حضرت بر موقوفات، وصیت بر درآمدهای مالی از زمین‌های زراعی دیگر، وصیت بر اشیای داخل منزل مسکونی پرداخته شده است؛ دسته دوم وصیت‌های آن حضرت به وصیت‌نامه «مسموع الهی سیاسی» اشاره دارد که از جمله مباحث این قسمت می‌توان به وصیت به ازدواج با «أمامه»، غسل و کفن و دفن شبانه، دعوت شفاهی اصحاب سرّ نماز و تشییع شبانه و تأکید بر دفن شبانه پرداخت.

برخوردهای تربیتی باید همراه با عاطفه باشد

نکته ها

حجت‌الاسلام قرائتی

دوستمان می‌گفت: زمان شاه که سوار ماشین می‌شدند رانندهٔ موسیقی روشن می‌کردند! اول یک جعبه شیرینی و سوهان از قم می‌گرفتیم زیر عبایمان می‌گذاشتیم، بعد وقتی می‌نشستیم و ماشین راه می‌افتاد جعبه را باز می‌کردیم و به راننده و بقیه شیرینی می‌دادیم. این دیگر خجالت می‌کشید و موسیقی روشن نمی‌کرد. یا اگر روشن می‌کرد من وقتی می‌گفتم آقای راننده قبول می‌کرد. یک وقتی آقا نشسته و می‌گوید آقای راننده خاموش کن. راننده هم از آینه نگاه می‌کند و می‌گوید: بنشین.

برخوردهای تربیتی باید همراه با عاطفه باشد. موسی وقتی می‌خواهد با فرعون حرف بزند، می‌گوید: «هَلْ لَکَ إِلی أَنْ تَزَکّی»؛ و به او بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! (نازعات/۱۸) خیلی فرق می‌کند. لباسم را عوض کردم پول در آن نگذاشتم، حالا شما محبت کنید مرا راگذاشتم، ولی یادم رفت در قبای نو پول بگذارم، ماشین که از قم بیرون رفت شاگرد شوفر گفت: آقایان پول‌هایتان را حاضر کنید. ما دیدیم قبای نو پوشیدیم ولی پول داخل آن نگذاشته‌ایم. رفتم به آقای راننده بگفت: آقای راننده شما شده لباس عوض کنی پول داخل آن نگذاری. من لباسم را عوض کردم پول در آن نگذاشتم، حالا شما محبت کنید مرا راگذاشتم، ولی یادم رفت در قبای نو پول بگذارم، ماشین که از قم بیرون رفت شاگرد شوفر گفت: آقایان پول‌هایتان را حاضر کنید. ما دیدیم تهران برسم اول بدبختی من است. یا همین جا پیاده کن من بروم خانه چند کیلو تهران را هم به من بدهد. گفت: چقدر پول می‌خواهی گفتم: ۲۰ تومان می‌خواهم تا به یک جایی برسم.

پیاده کنید. گفت: چرا؟ گفتم: لباسم را عوض کرده‌ام پول داخل آن نگذاشته‌ام. گفت: خیلی خب مهمان ما باش. گفتم: نه، من حالا اگر به خانه‌ام نروم پایانی ندارد. موسی وقتی می‌خواهد با عاطفه برخورد کند، می‌گوید: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! یا اگر روشن می‌کردم من وقتی می‌گفتم آقای راننده قبول می‌کرد. یک وقتی آقا نشسته و می‌گوید آقای راننده خاموش کن. راننده هم از آینه نگاه می‌کند و می‌گوید: بنشین.

برخوردهای تربیتی باید همراه با عاطفه باشد. موسی وقتی می‌خواهد با فرعون حرف بزند، می‌گوید: «هَلْ لَکَ إِلی أَنْ تَزَکّی»؛ و به او بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟! (نازعات/۱۸) خیلی فرق می‌کند.

دیدگاه

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان:

ضرورت بندگی خدا «برده دیگران نبودن» است

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان گفت: بندگی خدا کنید که به واسطه او قدرتمند شوید؛ یکی از وجوه عزتمندی بندگی خداوند این است که به فهم شما احترام می‌گذارد تا خود بسیاری از موارد را تشخیص دهید و بفهمید.

به گزارش خبرگزاری شبستان، حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان، استاد حوزه و دانشگاه در سخنرانی خود به مناسبت ایام فاطمیه در فاطمیه تهران، با اشاره به اینکه فلسفه اسلام، آزادی از بردگی غیرخدا است که در قرآن بارها به آن تذکر داده شده، گفت: جنگ‌های پیامبران برای آزادی انسان از بردگی دیگران است. رسول خدا(ص) در این زمینه با چندین فرعون مواجه بودند. برخی در خیابان‌ها از کلمه مقدس آزادی علیه انقلاب و اسلام سوءاستفاده می‌کنند، بر همین اساس باید گفت تعلیمات دینی در مدارس با روش درستی تدریس نشده است. وقتی کسی در مقابل اسلام بگوید من آزادی می‌خواهم مثل این است که برخی برای طرفداری از حوزه علمیه بگویند مرگ بر آخوندها و این یک پارادوکس است.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان با بیان اینکه ضرورت دینداری، حرمت دین نگه داشتن نیست، عنوان کرد: ضرورت بندگی خدا برده دیگران نبودن است، بین ضرورت بندگی خدا و برده دیگران نشدن فاصله نیست، قرآن کریم می‌فرماید بیشتر مؤمنان مشرک هستند؛ وقتی انسان به‌طورکامل برای خدا کار نکند به همان میزان برده دیگران بوده و مشرک است. این استاد حوزه علمیه ادامه داد: به مردم خدمت کرده و برای آن‌ها فداکاری کنید اما برده آن‌ها نباشید؛ یعنی تشویق و سرزنش آن‌ها بر شما اثر نگذارد.

امام راحل، سردار سلیمانی و خویان دیگر، خدا را می‌کردند تا برده دیگران نشوند. اولین کاری که در بردگی می‌کنند این است که مستکبران مغز شما را به نفع خود شست‌وشو می‌دهند. وی با بیان اینکه بعضی‌ها از ارباب می‌ترسد و به او طمع دارد، اظهار کرد: حضرت ابراهیم(ع) شجاعانه و جسورانه ابتدا خدایان دروغین را رد کرد و از پدرش خواست شیطان را نپرستد. برای خداوند بردگی دیگران به میزانی منفور است که حتی اگر شما صدای خود را نزد ثروتمند، ضعیف اما نزد فقیر، قوی کنید خداوند شما را در دنیا و آخرت نابود می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان بیان کرد: روان‌شناسان می‌گویند اگر انسان رها شود میل به بردگی دارد، انسان بنده خدا آفریده شده است و اگر عبد هر کس غیر خدا شود ذلیل می‌شود اما اگر خداوند را اطاعت کند خداوند انسان را به صفات خود آراسته می‌کند. اگر عرفا به قدرت‌های خارق‌العاده دست پیدا می‌کنند به خاطر بندگی خالص برای خداست.

این استاد حوزه علمیه افزود: بندگی خدا کنید که به واسطه او قدرتمند شوید، فقط خداوند به بنده خود قدرت می‌دهد، دیگران بنده خود را ذلیل می‌کنند. اگر کامل بندگی خدا را کرده بودیم تا الان استکبار جهانی را زمین زده بودیم. سبک زندگی غلط نوعی شیطان‌پرستی است، آمریکا شعار زن، زندگی و آزادی را برای ما سر می‌دهد و از آن طرف با داعش، زنان را به بردگی می‌برد. داعشی که سر بزرگ و کوچک را می‌برد و دنبال به بردگی بردن زنان است.

وی با استناد به آیاتی از قرآن کریم، ابراز کرد: خداوند می‌فرماید ای داوود، عزت را در طاعت خود قرار دادم؛ کسانی که غیر ما بندگی می‌کنند هیچ‌گاه به عزت دست پیدا نمی‌کنند. حتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) شب برده نمی‌گیرند؛ به همین دلیل امام حسین(ع) شب عاشورا به یاران خود فرمودند آزاد هستید هر کس دوست دارد، بماند و هرکس دوست دارد، برود. به همین دلیل اهل بیت(ع) غریب و مظلوم هستند، آن‌ها تلاش کردند مردم روی پای خود بایستند.

حجت‌الاسلام والمسلمین پناهیان با بیان اینکه در نظام برده‌داری، دشمنان اسلام دیگران را مجبور به اطاعت از خود می‌کنند، گفت: دشمنان حتی به بردگی ما هم راضی نمی‌شوند و قصد دارند ما را به بدتر از آن بکشانند.

یکی از وجوه عزتمندی بندگی خداوند این است که به فهم شما احترام می‌گذارد تا خود بسیاری از موارد را تشخیص دهید و بفهمید. در محضر امام زمان(عج) باید قدرت فرقان داشته باشید، در دین ابهام است که انسان باید خود تشخیص دهد.

کلام امیر

شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛ همان خداوندی که با اندار و هشدار خود، راه عذر را بسته و با دلایل روشن، طریق هدایت را نشان داده و حجت را تمام کرده و شما را از آن دشمنی بر حذر داشته که مخفیانه درون سینه‌های شما نفوذ می‌کند و آهسته در گوش‌های شما می‌دمد و به این طریق شما را گمراه می‌کند و به هلاکت می‌کشاند؛ او نوید می‌دهد و انسان را به آرزوهای باطل و دور و دراز؛ سرگرم می‌کند و گناهان و جرایم را در نظرها زیبا جلوه می‌دهد و معاصی بزرگ را کم‌اهمیت می‌شمرد (این وضع همچنان ادامه می‌یابد) تا به‌تدریج پیروان خود را فریب می‌دهد. (از خطبه هشتاد و سوم نهج‌البلاغه)

خداوند اطعام کردن مردم و آشکار کردن سلام را دوست دارد.

اسناد‌های مقدس

تولیت آستان حضرت عبدالعظیم:

مدح و شعر آیینی در راستای ارتقای بینش و معرفت مردم در جامعه است

به همت آستان حضرت عبدالعظیم(ع) و مؤسسه فرهنگی عقیق، آیین «عصر شعر فاطمی» با حضور جمعی از ستایشگران و شاعران آیینی همچنین استاد غلامرضا سازگار، از شاعران و پیرغلامان اهل بیت(ع) برگزار شد.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت‌الاسلام قاضی عسکر، تولیت آستان حضرت عبدالعظیم(ع) در آیین «عصر شعر فاطمی» که با حضور جمعی از ستایشگران و شاعران آیینی برگزار شد، عنوان کرد: خداوند به شاعر آیینی این عنایت را داشته تا زبانشان به مدح آل الله(ع) گویا شده و به برکت این ذوات مقدس، اشعار نغز و بسیار زیبایی به این عزیزان الهام شده که بی‌شک این اشعار، الهام‌بخش جامعه ایمانی ما نیز است.

وی افزود: در طول تاریخ همواره شاعران و مداحان اهل بیت(ع) نقش برجسته‌ای در برانگیختن احساسات پاک پیروان خاندان عصمت و طهارت(ع) داشته و سبب حفظ و حراست از اسلام شده‌اند. همچنین در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن در سال‌های دفاع مقدس نیز با اشعار حماسی و مدایح آل الله(ع)، جوانان ما به اوج احساس و شعور رسیدند و در مقابل دشمنان اسلام و انقلاب ایستادگی کردند.

تولیت آستان حضرت عبدالعظیم(ع) با اشاره به توجه ویژه رهبر معظم انقلاب به مداحان و شاعران آیینی تصریح کرد: توصیه‌های رهبر معظم انقلاب در جلسات متعدد و ارائه رهنمودهای ارزشمند به مداحان و شاعران در خصوص بصیرت‌افزایی میان مردم، نشانگر نگاه ویژه ایشان به مقوله مدح و شعر آیینی در راستای ارتقای بینش و معرفت مردم در جامعه است.

وی در پایان با گرامیداشت یاد و خاطره ذاکر با اخلاص اهل بیت(ع) مرحوم حاج علی فراهانی، با اشاره به اخلاص، تلاش و دلسوزی آن مرحوم در کارها خاطرنشان کرد: مرحوم فراهانی سال‌های متمادی با مداحی و مرثیه‌سرایی، مسافران سرزمین وحی و همچنین عتبات عالیات را با اشعار زیبا و نوای دلنشین خود به فیض می‌رساند و آن عزیز همواره عاشق خدمت به خلق خدا بود؛ امیدواریم به سبب این صفای باطن، ورود و سالار شهیدان(ع) از لطف و عنایت خود، ایشان را بهره‌مند کنند.

در این مراسم آقایان استاد حاج غلامرضا سازگار، احمد بابایی، مرتضی حیدری آل‌کثیر، علی ذوالقدر و رضا قاسمی و خانم‌ها بشری صاحبی، الهام صفالو و رباب کلامی به شعرخوانی در رثای حضرت فاطمه زهرا(س) پرداختند.

تجلیل از خانواده مرحوم حاج علی فراهانی، مداح و ستایشگر اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و همچنین اهدای تندیس مزین به نام مبارک حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا(س) به شاعران حاضر در این جلسه از دیگر برنامه‌های این آیین بود.

درباره زندگی و زمانه «عزالدین قسام» که پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی بود

نخستین ژنرال مقاومت

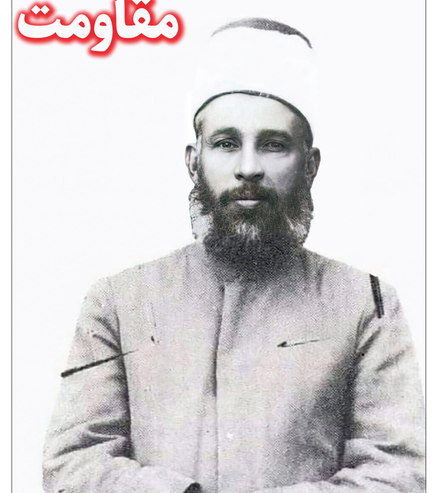

اعتقاد به مبارزه با گوشت و خونش آمیخته بود. از روزی که استعمار و بازوهای نفاق‌انگیز و اشغالگرش را شناخت، یقین پیدا کرد جز مبارزه و ایستادگی، هیچ چیز جلودار استعمارگران نیست. می‌دانست اشغال آب و خاک مسلمانان، قدم اول اشغالگری‌های بعدی است و این سیل گرم را مهار نشنود. در آینده می‌تواند دین و ایمان مردم را هم به غارت ببرد. بنابراین قیامی با علیه حضور نظامیان فرانسوی برانگیخت که بعدها زمینه مهاجرت او را از سوریه فراهم کرد. خانه و اموالش را فروخت، با پولش ۲۴ قبضه تفنگ خرید و با همین بضاعت، مبارزه با اشغالگری را آغاز کرد و مدتی بعد در کوه‌های لاذقیه به «عمر ابیطار» پیوست تا درست و حسابی از جلو اشغالگران فرانسوی در بیایند. بنابراین او از شهرت و اعتبار شیخ آگاه بودند و از او دست کم نگرفتند. بارها برایش پیغام فرستادند، وعده سمت و مقام دادند، زندگی راحت و دریافت حقوق عالی را پیشنهاد کردند اما جوابی نگرفتند. برای همین مدتی بعد در دادگاهی فرمایشی، او را به اعدام محکوم کردند. عزالدین قسام با برخی همراهانش مدتی را به «جمعیت جوانان مسلمان» را در حیفا راه‌اندازی کرد و شعبه‌های آن را در شهر و روستاهای اطراف گسترش داد. زمان روشنگری به پایان رسیده بود. راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیزی هم که تا آن روز به راه انداخته بود فقط نوعی اعلام آمادگی بود و حالا شیخ در واقع داشت هسته‌های مقاومت مسلحانه را سروسامان می‌داد. انگلیسی‌ها وقتی به خودشان آمدند، مدت‌ها از زمانی می‌گذشت که عزالدین قسام، سلاح کمری‌اش را در مسجد روی دست گرفته و گفته بود: «جوانان شما را دیدم که در خیابان‌ها جارو به دست دارند... برخی‌ها کفش‌های بیگانگان را واکس می‌زنند... هر کس به فکر دین و ایمان و آزادی سرزمینش است باید از این‌ها در دست بگیرد».

■ «جنبین» آغاز راه بود

وقتی انگلیسی‌ها احضارش کرده و خواسته بودند توضیح بدهد چرا در همه جلسات تفسیر قرآن، آیه «و اَعِدّوا لهم ما استطعتُم مِن قُوه...» را می‌خواند، مدت‌ها از تشکیل گروه‌های مخفی جهادی می‌گذشت و عزالدین قسام هر چه توانسته بود را برای مبارزه با دشمن آماده کرده بود. در روزگاری که هنوز تصور جهاد و مقاومت در مخیله بسیاری از آن‌ها که خودشان راهبر و رئیس ملت‌های عربی می‌دانستند، وجود نداشت، دورانی که هنوز خیلی‌ها به اجلاس‌ها، صلح و سازش امیدوار بودند، عزالدین قسام داشت درس‌های آخرش را به مبارزان و همراهانش می‌داد: فقط جهاد و شهادت... پایان راه همین بود. فقط همین راه به آینده روشنی برای فلسطین ختم می‌شد... انگلیسی‌ها سرانجام فهمیدند مقاومت مسلحانه و جنگ و گریزهایی که مدت‌ها بود آزارشان می‌داد از کجا سرچشمه می‌گیرد... شیخ را چند تن از یارانش در «جنین» محاصره کردند... اگر تسلیم می‌شد در امان می‌ماند... اگر مانند بسیاری که داعیه رهبری فلسطینی‌ها را داشتند رفتار می‌کرد، زنده می‌ماند... تشییع جنازه‌اش به تظاهرات گسترده‌ای تبدیل شد... بعد هم همان‌طور که «بن گوریون» پیش‌بینی کرده بود به قیامی انجامید که سه سال طول کشید و فلسطینی‌ها آن را انقلاب کبیر می‌نامند. جمال الحسینی، رهبر حزب عربی و مرد شناسه دو جنبش ملی فلسطین در یک روزنامه عربی نوشت: «انقلاب قسام، انقلاب علیه تمامی ماست؛ چرا که هر یک از ما فقط ادعای ایمان و اراده و جهاد را داریم... ما باید دین همه فداکاری، تنها کاری که از دستمان برمی‌آید این است که خود را سرزنش و گونه‌های خویش را از شرم و حیا سرخ کنیم...».

■ ... و فلسطین

مدتی بعد، از بیروت به «حیفا» رفت. زندگی در فلسطین آن روزگار که در اشغال انگلیسی‌ها بود و هر روز گروه زیادی از یهودیان به آن وارد می‌شدند، آغاز مرحله جدیدی در مبارزات «عزالدین قسام» است. در جایی که هنوز نه شهرتی داشت و نه سلاح و یاوری، مبارزه باید شکل و شمایل دیگری پیدا می‌کرد. او در محله‌ای فقیرنشین که بیشتر ساکنانش را کشاورزانی تشکیل می‌دادند که از خانه و زمینشان رانده شده بودند، همه تلاشش را گذاشت تا در قدم اول، اوضاع معیشتی اهالی را بهبود ببخشد. بعد هم به جنگ می‌سوادی رفت. برای کودکان و بزرگسالان بی‌سواد، کلاس‌های درس شبانه تشکیل داد و در کنار آموزش آن‌ها از اهداف اشغالگری و ضرورت اتحاد سخن گفت. مدتی بعد، وقتی اهالی محله شیفته منش و رفتارش شدند، شهرت و پیشینه‌اش هم برای آن‌ها و دیگران آشکار شد. او را برای تدریس به مدرسه اسلامی «حیفا» دعوت کردند و چندی بعد هم به او موافقت «حاج محمد امین الحسینی» مفتی قدس و رهبر جنبش ملی فلسطین، به عنوان امام جماعت و سخنران مسجد جامع «استقلال» انتخاب شد.

■ مثل سلاح کمری من

۱۵ سال زمان کمی نیست. شیخ نزدیک به ۱۵ سال زمان صرف کرد تا ضمن روشنگری، ساکنان مناطق اشغالی را متوجه دست‌های پشت پرده مهاجرت یهودیان کند. ۱۵ سال زمان لازم بود تا در سخنرانی‌ها، خطبه‌های نماز جمعه و جلسات درسی‌اش ضرورت راه‌اندازی تشکیلاتی منسجم برای رویارویی جدی در میدان جنگ با استعمار را در باور مردم فلسطین بنشاند. یعنی بی‌دلیل نیست که چه فلسطینی‌ها و چه دیگران، امروز، او را پایه‌گذار نهضت مقاومت اسلامی در سرزمین‌های اشغالی می‌دانند. پیش از او، دیگران، بدون پی بردن به عمق فاجعه‌ای که در حال شکل‌گیری بود، آنچه در فلسطین می‌گذشت را فقط درگیری میان پیروان اسلام و یهودیت و یا تا حد اشغال خاک یک کشور، ساده و قابل حل و فصل می‌دانستند. «عزالدین قسام» هم اندیشمندی بود که می‌دانست قدم اول برای ایستادگی، ریشه‌کنی جهل و بی‌سوادی مردم است و هم ایمان داشت برای پیروزی، فقط باید به جهاد و شهادت تکیه کرد نه توافق‌های سیاسی و اجلاس‌های بین‌المللی. «جمعیت جوانان مسلمان» را در حیفا راه‌اندازی کرد و شعبه‌های آن را در شهر و روستاهای اطراف و مبانی استحکام خانواده و شناخت فاطمه در منابع سه‌گانه پرداخته شده است.

سومین بخش از این اثر در سه فصل و ۱۱ گفتار به جلوه‌های عصمت و هدایت‌گری در سیره حضرت فاطمه(س) می‌پردازد: در این بخش، سیره عبادی، اقتصادی و سیاسی فاطمه(س)، حجاب و عفاف آن حضرت و فدک به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه مالی ولایت در اختیار فاطمه(س) مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش چهارم کتاب «فاطمه چشمه جوشان هستی» به وصیت‌ها و حوادث روزهای پایانی عمر صدیقه طاهره(س) در سه فصل با عناوین مجموعه وصیت‌های حضرت فاطمه(س)، حوادث واپسین روزهای حیات و شهادت آن حضرت و شهادت مظلومه عالم پرداخته شده است. در این اثر، وصیت‌نامه حضرت فاطمه زهرا(س) در دو دسته بیان شده است: دسته اول مربوط به وصیت‌نامه «مکتوب مالی» می‌شود که در آن به توصیه آن حضرت بر موقوفات، وصیت بر درآمدهای مالی از زمین‌های زراعی دیگر، وصیت بر اشیای داخل منزل مسکونی پرداخته شده است؛ دسته دوم وصیت‌های آن حضرت به وصیت‌نامه «مسموع الهی سیاسی» اشاره دارد که از جمله مباحث این قسمت می‌توان به وصیت به ازدواج با «أمامه»، غسل و کفن و دفن شبانه، دعوت شفاهی اصحاب سرّ نماز و تشییع شبانه و تأکید بر دفن شبانه پرداخت.

نیم نگاه

کتاب «شهاب دین» روایت زندگی آیت‌الله مرعشی نجفی رونمایی شد

از حذف وعده ناهار تا کارگری برای خرید نسخه‌های خطی

محدثه مودی | زهرا باقری، نویسنده کتاب شهاب دین با اشاره به نقاط عطف فراوان زندگی مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی، گفت: بسیاری از افراد با خواندن کتاب، جذب بحث تشرفات ایشان به محضر امام زمان(عج) می‌شوند. اما در این میان، آنچه برای خود من در زندگی ایشان مهم و تأثیرگذار بود، تلاش ایشان در راستای اعتلای فرهنگ کتاب‌خوانی است.

به گزارش قدس آنلاین، صبح دیروز آیین رونمایی از کتاب شهاب دین به قلم زهرا باقری برگزار شد. این کتاب که توسط انتشارات شهید کاظمی به چاپ رسیده به زندگی آیت‌الله مرعشی نجفی، عالم بزرگ شیعه و جهان اسلام می‌پردازد. به این بهانه با نویسنده این کتاب گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

باقری در پاسخ به این پرسش که چرا به سراغ شخصیت آیت‌الله مرعشی نجفی رفته، پاسخ داد: خاطره هست در دوره نوجوانی درمورد تشرفات ایشان به محضر امام زمان(عج) مطالبی خواندم و شخصیت ایشان در ذهنم ماندگار شده بود. هنگام زیارت حرم حضرت معصومه(س) هم بارها مزار ایشان را زیارت می‌کردم. پس از خواندن کتاب نخل و نارنج از آقای یامین پور، تمایل پیدا کردم کتابی به همین سبک بنویسم و درلحظه انتخاب کردم به سراغ شخصیت آیت‌الله مرعشی بروم و نگارش کتاب را آغاز کردم.

این نویسنده در مورد محتوای کتاب و ابعادی از شخصیت آیت‌الله مرعشی که به آن پرداخته شده، گفت: زندگی طولانی مدت ایشان که نزدیک به یک قرن بوده، موجب شده شخصیت و حیاتی چندبعدی داشته باشند که از هرکدام می‌توان کتابی گفاوت نوشت. مثلاً فقط درمورد ابعاد سیاسی شخصیت ایشان چند کتاب به چاپ رسیده است. بنابراین تلاش کردم تمام ابعاد زندگی ایشان از جمله خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی یا خدمات ایشان به کتاب و کتاب‌خوانی را در کتاب ذکر کنم و تمرکز بر جنبه خاصی از زندگی ایشان ندارم، اما بحث فعالیت ایشان در حوزه کتاب کمی پررنگ‌تر است.

باقری درمورد منابع استفاده شده در نگارش این کتاب گفت: در نگارش این کتاب تخیلات خودم هم تاحدودی دخیل بود، به‌خصوص در بخش نجف که برخی وقایع و روایت را با کمک تخیلات خودم کنار هم چیدم. اما همان‌طور که گفته شد، بخش اصلی از محتوای این کتاب، مستند است و در نگارش آن از منابع مختلفی استفاده کردم. برای مثال از کتاب‌هایی که پسربزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی در اختیارم قرار دادند بسیار کمک گرفتم؛ مثل کتاب شهاب شریعت و مرزبان حماسه‌ها که هرکدام چندین جلد هستند. علاوه بر این، از زندگی نامه‌های چاپ شده از شخصیت ایشان هم استفاده کردم و مصاحبه‌هایی با فرزندان ایشان نیز داشتم.

باقری افزود: تفاوت کتاب شهاب دین با دیگر آثار منتشر شده درمورد آیت‌الله مرعشی در شیوه نگارش آن است. کتاب‌های دیگر، اغلب بازیان مستند نوشته شده‌اند اما در شهاب دین تلاش کردم با زبان قصه و داستان زندگی ایشان را روایت کنم.

نویسنده کتاب شهاب دین در پایان بیان کرد: زندگی ایشان نقاط پرچ بسیاری دارد. بسیاری از افراد نیز با خواندن کتاب، جذب بحث تشرفات ایشان به محضر امام (زمان(عج) می‌شوند. اما در این میان، آنچه برای خود من در زندگی ایشان مهم و تأثیرگذار بود، تلاش بسیار ایشان در راستای اعتلای فرهنگ کتاب‌خوانی، بدست آوردن کتاب و حفظ منابع مکتوب شیعه است. درواقع هم و غم ایشان تلاش برای حفظ میراث فرهنگی بود که به نظرم من ارزشمندترین بخش زندگی ایشان است.

■ حتی نمازهای استیجاری را به‌جا می‌آورد تا بتواند کتاب‌هایی را خریداری کند

حجت‌الاسلام سیدمحمود مرعشی نجفی، فرزند ارشد فقیه برجسته درخصوص شخصیت پدر خویش در مراسم رونمایی از کتاب «شهاب دین» عنوان کرد: پدر مرحومم روز اربعین سال ۱۳۱۹ قمری در نجف به دنیا آمد. در آن ایام دوسال درس طب خواند و البته ریاضیات هم خوانده بود. وی از معدود مراجعی بود که به غیر از علوم حوزوی، از علوم دیگر نیز بهره‌مند بود. مرحوم به زبان‌های انگلیسی، عربی و ترکی مسلط بود. سپس وارد حوزه علمیه نجف شد و در سن ۳۲ سالگی اجازه اجتهاد کتبی از علمای بزرگ نجف گرفت. پدر استعداد و حافظه غریبی داشت، ایشان در سال ۴۲ قمری به قصد زیارت مشهد و قم و دیدار اقوامی که در تبریز داشتند به ایران می‌آیند تا پس از آن به نجف برگردند. در سفرشان به قم با آیت‌الله حائری ملاقاتی داشتند و ایشان به او تکلیف می‌کند در قم بماند، چراکه می‌گفتند ما استاد کم داریم و ایشان بر حسب تکلیف مانندند. وی با اشاره به علاقه شدید آیت‌الله مرعشی به کتاب گفت: روزی پدرمرحومم از بازار نجف می‌گذشت. کتابی را دید که یک زن فروشنده در زیر چادر خود پنهان کرده؛ از زن فروشنده می‌خواهد این کتاب را به او بفروشد. در آن زمان یک دلال انگلیسی در نجف بود که کتاب‌های خطی را خریداری می‌کرد و به زن گفت هرچه آن سید می‌دهد، من دوبرابر آن را می‌دهم. زن فروشنده به دلال گفت آن را فروخته و این کار را نمی‌کند. این داستان منجر به این می‌شود که روزی شرط‌ها پدرم را به زندان می‌برند تا کتاب را تحویل دهد البته پدرم تحویل نداد و الان در کتابخانه است. وی برای خرید کتاب ظهرها غذا نمی‌خورد و شب‌ها در کارگاهی، کارگری می‌کرد و حتی نمازهای استیجاری را به‌جامی آورد تا بتواند کتاب‌هایی را خریداری کند.

■ ۵۸ هزار عنوان نسخه خطی داریم

وی در ادامه تصریح کرد: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در یونسکو بزرگ‌ترین کتابخانه خطی شیعی در جهان است و ما با ۴۰۰ کتابخانه و مرکز فرهنگی بین‌المللی و داخلی ارتباط داریم. روزی امام خمینی(ره) گفتند به ملاقات ایشان بروم؛ وقتی نزد امام رسیدم ایشان به من گفتند پدرت خیلی زحمت کشید و شما هم باید کمک کنید و همان‌جا مبلغی به ما دادند که خانه‌های اطراف را بخریم تا بتوانیم کتابخانه را گسترش دهیم. امام به وزارت دفاع دستور داد در ساخت این کتابخانه کمک کند. ما در این کتابخانه ۵۸ هزار عنوان نسخه خطی داریم که ۶۵ درصد آن به زبان عربی، ۳۰ درصد به زبان فارسی و بقیه به زبان‌های دیگر است.

سیدمحمود مرعشی درخصوص نگاه‌های سیاسی آیت‌الله مرعشی بیان کرد: ایشان در بحث‌های سیاسی همراه امام بودند و امام را استاد سیاسی می‌دانستند. پدرم وصیت کردند ساخت کتابخانه از ساخت دهه مسجد و حسینیه بهتر است چراکه کتابخانه‌ها نمی‌گذارند مسجدها خالی باشند.

■ آیت‌الله بهجت می‌گفتند ای کاش من هم چنین پدری داشتم

وی در پایان تصریح کرد: مرحوم به سفر حج نرفته بودند و می‌گفتند تا زمانی که سعودی‌ها برای ائمه بقیع مقبره نسازند به حج نخواهم رفت. البته تجار بسیاری می‌آمدند و می‌گفتند تمام هزینه‌های سفر شما را می‌دهیم و به حج بروید اما مرحوم قبول نمی‌کرد و می‌گفت من نمی‌دانم این مال از چه راهی بدست آمده است. هنگامی هم که فوت کردند چیزی به لحاظ مادی نداشتند و در جیب لباسشان ۸۰۰ تومان بود که آن را هم بخشیدیم. در آن ایام دوسال مجلس خبر ایشان آیت‌الله بهجت آمده بود و خودم و همراهانم از ایشان شنیدیم که می‌گفتند من به حضرت ولی‌عصر(عج) متوسل شدم تا نظر ایشان را در خصوص آیت‌الله مرعشی بدانم که ایشان گفتند: ایشان از ما هستند

آیت‌الله بهجت به من می‌گفتند ای کاش من هم چنین پدری داشتم.

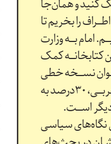

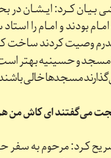

زیور آل محمد(ع)

مسخره کردن و شوخی‌های بی‌مورد از بی‌خردی و کار انسان‌های نادان است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات حل اختلاف موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان رامهرمز با مساحت متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند بایداز تاریخ انتشار آگهی وظرف‌وسه‌روز از تاریخ انتشار درمحل به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و رسیدداخذنمایند، معترض بایدظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل عملیدوگواهی تقدیم دادخواست رابه اداره ثبت محل تحویل دهدبدین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض یاعدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل اداره ثبت طبق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهدکرد .حدودسند مالکیت مانع از مراجعه متضرربه دادگاه نیست.

بخش ۱۸ کرمان:

۱-خانم اعظم رستمی راوری به شناسنامه ش

قلة المنطق حکم عظیم، فعلیکم بالصمت

کم‌گویی حکمت بزرگی است پس بر شما باد به خموشی!

خبر امروز

با «العادیات» قرآن را حفظ کنید

امروزه روش‌ها و سبک‌های مختلفی برای حفظ مطالب از جمله قرآن وجود دارد. یکی از روش‌ها استفاده از «جعبه لایتنر» است که بیشتر برای حفظ کلمات انگلیسی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما ویژگی‌های خوب این روش، موجب شده تا دغدغه‌مندان حوزه قرآنی به سمت استفاده از جعبه لایتنر در بحث حفظ قرآن بروند و نرم‌افزار «العادیات» را بر همین مبنا تولید کنند.
مهم‌ترین کار جعبه لایتنر قرآنی این است که برنامه مرور را به گونه‌ای تنظیم می‌کند تا با بیشترین تکرار مطالب به حافظه درازمدت هدایت شده و از تکرارهای غیرضروری جلوگیری می‌کند.
در «العادیات» ابتدا آیات مورد نظر خود را با استفاده از قرآن و سایر ابزارها حفظ می‌کنید، سپس برای تثبیت حفظ، هر روز تعدادی از آیات را، در قسمت «آیات من» وارد نرم‌افزار می‌کنید. سپس در بخش آیات امروز، آیاتی که امروز باید بررسی شوند را مشاهده می‌کنید. در صورتی که برای آیه‌ای گزینه حفظ هستم را انتخاب کنید، دو روز بعد، دوباره باید بررسی کنید. در صورتی که دوباره حفظ هستم را بزنید چهار روز بعد و به همین ترتیب ۸، ۱۶، ۳۲، ۶۴ و... روز بعد باید آیات بررسی شود.

اردوی زیارتی

نیم‌روز در بهشت

۱۵۰ دانش‌آموز پایه‌های هفتم، هشتم و نهم دبیرستان پسرانه امام رضا(ع) در شهرستان چناران، ضمن تشرف به حرم مطهر حضرت رضا(ع) در اردوی «نیم‌روز در بهشت» شرکت کردند.

در این برنامه معنوی، دانش‌آموزان از انواع برنامه‌های متنوع معرفتی و بصیرت‌افزایی تدارک دیده شده برای آن‌ها از جمله شرکت در حلقه‌های معرفتی، آشنایی با آداب زیارت و حرم‌شناسی بهره بردند سپس با صرف صبحانه در مهمانسرای حضرت، از خوان نعمت رضوی بهره‌مند شدند. همچنین این دانش‌آموزان، ضمن حضور در بهشت ثامن‌الائمه(ع) و قرائت فاتحه و ادعیه، مزار شهدای عاشورای رضوی و شهدای منا را زیارت کردند. این طرح فرهنگی قرار است برای سایر دانش‌آموزان متوسطه دبیرستان امام رضا(ع) نیز اجرا شود.

۲ پژوهشگر از ویژگی‌های کتابخانه و موزه ملی ملک می‌گویند

نقش پررنگ یک موقوفه در چرخه دانش

کتابخانه و موزه ملی ملک به عنوان یک نهاد ملی و فرهنگی با گنجینه‌ای غنی از آثار نفیس و کم‌نظیر در تعامل با پژوهشگران در تولید و چرخه دانش نقش پررنگی داشته است.
تعظیم و تکریم شعائر اسلامی، سعادت مملکت ایران، خدمت به جامعه و ترقی معارف، مهم‌ترین اهدافی است که در وقف‌نامه زنده‌یاد حاج‌حسین آقاملک، بنیان‌گذار و واقف کتابخانه و موزه ملی ملک ذکر شده و این مجموعه بر اساس آن، خدمات ارزشمندی ارائه می‌دهد.
در همین زمینه پای صحبت‌های دو پژوهشگر همکار با این موقوفه نشسته‌ایم که در ادامه بخش‌هایی از آن را می‌خوانید.

■ نسخه‌های خطی نفیس

بهروز امینی، نسخه‌پژوه ۴۹ ساله تهرانی دارای مدرک کارشناسی ارشد نسخه‌شناسی از دانشگاه شهید بهشتی می‌گوید: به دلیل سابقه فعالیت در رشته خوشنویسی، با این مجموعه فرهنگی آشنا شدم. از سال ۱۳۹۰ نیز در حال بررسی مجموعه نسخه‌های خطی و قطعات خوشنویسی گنجینه ملک هستم که نتیجه این فعالیت‌های پژوهشی به برپایی ۴۰ نمایشگاه دائمی، موقت و تک‌اثر همچون «نجوم»، «آناتومی» و «تقویم» در این موقوفه و همچنین انتشار چند کتاب منتهی شده است. در حال حاضر نیز مشغول بررسی نسخه‌های موضوعی نجوم و کیمیای گنجینه‌ملک هستم.
از این نسخه‌پژوه در خصوص ظرفیت‌های پژوهشی مجموعه نسخه‌های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک می‌پرسم و او پاسخ می‌دهد: از آنجایی که مرحوم حاج‌حسین آقاملک و همچنین مرحوم احمد سهیلی خوانساری با توجه به تخصص خود نسخه‌های برگزیده و پرمحتوا را برای این کتابخانه گردآوری کرده‌اند، این گنجینه دارای مجموعه‌ای غنی در حوزه نسخه‌های خطی در موضوعات مختلف ادبی، فقهی و علمی است. به طور مثال فکر نمی‌کنم مرکزی در ایران چنین نسخه‌های نفیس و خوبی در حوزه پزشکی داشته باشد.
وقتی خدمات‌رسانی کتابخانه و موزه ملی ملک به محققان را با برخی کتابخانه‌های کشور مقایسه کنیم متوجه همکاری دلسوزانه کارشناسان اهل فن این مجموعه فرهنگی خواهیم شد.

■ نگاه پژوهشگران به وقفی بودن مجموعه

عاطفه شفیعی، ۳۸ ساله یکی دیگر از پژوهشگران تهرانی همکار با مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک است. او دانش‌آموخته کارشناسی ارشد صنایع دستی از دانشگاه هنر است و در حال حاضر در دانشگاه سمنان تدریس می‌کند.
شفیعی درباره چگونگی آشنایی خود با این مجموعه فرهنگی می‌گوید: سال ۱۳۸۷ برای انجام فعالیت‌های پژوهشی دوران دانشجویی خود و تدوین پایان‌نامه‌ام با محوریت بررسی هنر تذهیب در کتاب‌های دوره قاجار به پیشنهاد استادم به کتابخانه و موزه ملی ملک مراجعه کردم.
این پژوهشگر بیان می‌کند: کتاب «هنر تذهیب در عصر قاجار (دوره ناصری و مظفری)» را نیز با بررسی هنر تذهیب روی آثار متنوع برخی از موزه‌های کشور از جمله موزه ملی ملک تألیف کردم که توسط این مؤسسه در سال جاری منتشر شد. وقتی طرح پژوهشی‌ام مورد تأیید این مؤسسه برای نشر کتاب قرار گرفت، احساس مسئولیت سنگین‌تری کرده و با صرف زمان و دقت بیشتری تلاش کردم اثری شایسته تألیف کنم، به خصوص که کتابخانه و موزه ملی ملک یک مجموعه وقفی است و از عواید موقوفات حاج‌حسین آقاملک قرار بود کتابم منتشر شود.

■ خدمات‌رسانی عالی

او ادامه می‌دهد: با توجه به اینکه از خدمات این مجموعه در مراحل مختلف پژوهشی؛ از انجام یک تحقیق کلاسی دانشگاه تا تدوین پایان‌نامه و تألیف کتاب استفاده کرده‌ام، به خوبی می‌توانم چگونگی خدمات‌رسانی آن را به دانشجویان و پژوهشگران بررسی کنم و با اطمینان بگویم سطح ارائه خدماتشان عالی است. حتی چگونگی ارائه خدمات موزه ملی ملک در مقایسه با سایر موزه‌های کشور که با آن‌ها ارتباط داشتم، زبانزد است.
او می‌افزاید: همچنین دوران شیوع بیماری کرونا را از یاد نمی‌برم؛ زمانی که به دلیل رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در کشور امکان استفاده حضوری از خدمات مراکز فرهنگی مثل موزه‌ها و کتابخانه‌ها را نداشتیم. در این شرایط، از خدمات غیرحضوری وب‌سایت کتابخانه و موزه ملی ملک استفاده و حتی به شاگردانم در دانشگاه هم این وب‌سایت را با افتخار معرفی کردم. شاید بتوان گفت کتابخانه و موزه ملی ملک تنها موزه‌ای در کشور است که چنین پایگاه اطلاعاتی غنی از آثار گنجینه خود را با عکس‌های بسیار باکیفیت از آن‌ها در بستر فضای مجازی برای استفاده عموم کاربران به ویژه پژوهشگران دنیا قرار داده است.
این پژوهشگر حوزه هنر تصریح می‌کند: پژوهشگران و دانشجویان می‌توانند روی تک‌تک مجموعه‌های گوناگون آثار گنجینه ملک همچون نسخه‌های خطی، سکه‌ها و تابلوهای نقاشی از ابعاد مختلف مطالعه و تحقیق کنند. حتی برخی از آثار آن مثل قلمدان‌ها به صورت تک‌اثر قابلیت بررسی و تألیف مقاله دارند.

آگهی اصلاحی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

پیرو آگهی منتشره روزنامه خراسان به شماره‌های م/ ۱۴۰۱۹۵۷۰۸-۱۴۰۱/۰۹/۱۷ و ۱۴۰۱/۰۹/۰۲ و م/۱۴۰۱۹۵۷۱۴/-۱۴۰۱/۰۹/۰۲ و ۱۴۰۱/۰۹/۱۷
در سطر پنجم و ششم و هفتم قید گردیده ((فهیمه عظیمی طرقدری فرزند حسین شماره ملی ۰۹۴۳۷۴۱۷۸۵ شماره شناسنامه ۲۷ مورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت علی اصغر اطمینانی نسبت به مالکیت شدنانگ یک باب منزل به مساحت ۲۳۲/۲۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۲۷ فرعی از ۲۰- اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ مشهد)) که بدینوسیله تصحیح می‌گردد
((فهیمه عظیمی طرقدری فرزند غلام علی شماره ملی ۰۹۴۳۷۴۱۷۸۵ شماره شناسنامه ۲۸ مورد تقاضا و انتقال از محل مالکیت مشاعی نامبرده نسبت به مالکیت شدنانگ یک باب منزل به مساحت ۲۳۲/۲۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۲۷ فرعی از ۲۰- اصلی واقع در خراسان رضوی بخش ۶ مشهد)) م.الف ۶۵۱ آ-۴۰۱۱۲۷۸۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای حسین سلطانی به عنوان نماینده بانک صادرات ایران جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند مالکیت پلاک ۷۵۳۵۵ فرعی از ۴ اصلی بخش ۹ مشهد مفقود شده است. لذا با بررسی سیستم جامع املاک معلوم گردید ششدانگ اعیان سند مالکیت ذیل دفتر الکترونیک ۱۳۹۶۲۰۳۰۶۰۰۳۰۰۳۴۸۶ به نام بانک صادرات ایران ثبت و سند مالکیت بشماره ۰۷۳۶۶۶ صادر و تسلیم شده است سیستم جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد مفاد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۶۵۲ آ-۴۰۱۱۲۷۸۱
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه دو مشهد- عباس جهانی‌فر

آگهی دعوت از مجاورین

نظر به درخواست اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان طرقبه شاندیز ششدانگ پلاک‌های ۲۱۴ و ۲۱۸ فرعی از ۲۱- اصلی واقع در اراضی عنبران بخش شش مشهد مبنی بر صدور سند مالکیت کاداستری پلاک مذکور در اجرای کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی و باستناد ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، نماینده و نقشه‌بردار این اداره در روز شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ ساعت ۹/۳۰ صبح جهت معاینه محل ملک مورد تقاضا در محل وقوع ملک حضور خواهند یافت لذا بموجب این آگهی از مالکین مشاعی و مجاورین پلاک فوق‌الذکر دعوت بعمل می‌آید به جهت حفظ حقوق مالکانه و عدم تضییع حق احتمالی در موعد مقرر در این آگهی در محل وقوع ملک مورد تقاضا حضور یابند. بدیهی است عدم حضور در موعد تعیین شده فوق مانع ادامه عملیات ثبتی نخواهد شد. م.الف ۶۵۳ آ-۴۰۱۱۲۷۸۲
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی
از طرف محمد ایرانی

آگهی فقدان سند مالکیت

وکیل مالک خانم فاطمه کارگر زابلی با ارائه استشهاد محلی گواهی امضاء شده طی درخواست ۳۱۲۰۸/۱۴۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی به میزان مالکیت ۲۱۹ سهم مشاع از ۴۳۸۰ سهم مشاع از ۱۸۶۹۳/۷۵ سهم یک دانگ و نیم مشاع از ششدانگ پلاک ۵۹ فرعی از ۱۶۵- اصلی بخش ۱۰ مشهد را نموده که پلاک فوق‌الذکر به نام خانم فاطمه کارگر زابلی ذیل دفتر ۱۸۱۵ صفحه ۲۵۳ ثبت دفتر املاک و سند به شماره ۱۲۹۱۷۰الف ۸۸/۳۲ صادر گردید و فاقد بازداشت و رهن می‌باشد حسب اعلام متقاضی صدور سند المثنی در اثر سهل‌انگاری مفقود شده در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی تا چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود می‌باشند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه تا مراتب صورت جلسه گردد. چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند ج مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. م.الف ۶۵۴ آ-۴۰۱۱۲۷۸۳
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی

آگهی ابلاغ اخطاریه عدم افراز

در اجرای دستور ذیل درخواست آقای علی نظری وارده به شماره ۱۴۰۱/۵۰۷۸۴- ۱۴۰۱/۰۹/۱۴ که تقاضای صدور رأی عدم افراز سهم مشاعی خود از ششدانگ اعیان پلاک ۱۰۱۱۷۳۷ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ۹ مشهد را نموده و برابر درخواست ۵۳۲۲۸ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ تقاضای انتشار آگهی روزنامه جهت ابلاغ رأی عدم افراز به سایر مالکین را داشته است لذا با استفاده از اختیارات حاصله از ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرایی مفاد اسناد لازم الاجرا اقدام به نشر آگهی به منظور ابلاغ اخطاریه به کلیه مالکین مشاعی و اشخاص حقیقی و حقوقی ذینفع می‌گردد. این آگهی در یک نوبت منتشر و نظریه ریاست ثبت آگهی می‌گردد.
مرجع رسیدگی: اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ مشهد
با سلام احتراماً در اجرای دستور شماره ۵۱۲۶۵- ۱۴۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۶ مبنی بر صدور رأی عدم افراز پلاک ۱۰۱۷۳۷ فرعی از ۱۵۰۷۴ فرعی از ۴ اصلی بخش ۹ مشهد مالکیت مشاعی آقای علی نظری مبنی بر عدم شرایط افراز به استحضار می‌رساند:
سند مالکیت یکباب آپارتمان پلاک ۱۰۱۷۳۷ فرعی از ۱۵۰۷۴ فرعی از ۴ اصلی بخش ۹ مشهد بنام علی نظری مالک سه دانگ تحت شماره الکترونیک ۱۴۰۱۲۰۳۰۶۰۴۰۲۱۴۲۹ و خانم مریم احمدی مالک سه دانگ دیگر تحت شماره الکترونیک ۱۴۰۱۲۰۳۰۶۰۰۴۰۰۸۳۱۸ ثبت و صادر شده است پلاک فوق در رهن و بازداشت نمی‌باشد و تعارضی مشاهده نگردید مراتب جهت هرگونه دستور لازم به حضور تقدیم می‌شود.
تصمیم این واحد ثبتی:
با عنایت به گزارش نماینده و نقشه‌بردار ثبت مستندبه سوابق ثبتی نظر به اینکه مورد تقاضا یک واحد آپارتمان و دارای مشترکات و مشاعات بوده و تابع قانون تملک آپارتمانها و آیین‌نامه اجرایی آن می‌باشد تصمیم به عدم قابلیت افراز آن صادر و در اجرای مواد ۵ و ۶ آیین‌نامه قانون افراز مراتب به کلیه مالکین مشاع ابلاغ تا چنانچه اعتراضی دارند حسب ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ یا انتشار آگهی اعتراض خود را تسلیم دادگاه محل وقوع ملک نموده و گواهی طرح دعوی را به این اداره تحویل نمایند. بدیهی است پس از پایان مهلت مقرر وفق مقررات اقدام خواهد شد. م.الف ۶۵۵ آ-۴۰۱۱۲۷۸۴
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ مشهد- عباس جهانی‌فر

آگهی رأی عدم افراز

در خصوص درخواست بانک مسکن مبنی بر افراز مقدار ۲۰۷ سهم مشاع از ۶۰۰ سهم ششدانگ یکباب منزل بمساحت ۲۱۰ مترمربع دارای پلاک ثبتی ۴۷۹۳۰ فرعی از ۶۶۹۱ فرعی از پلاک ۱۸۲- اصلی بخش ۱۰ مشهد به پیوست یک نسخه از تصمیم این اداره مبنی بر رد تقاضای نامبرده به پیوست آگهی می‌گردد و طبق اعلام متقاضی افراز مبنی بر عدم دسترسی به آدرس آقای محمد اسحاقی جردوی فرزند حسن مالک مشاعی پلاک مذکور رأی عدم افراز آگهی می‌گردد لذا چنانچه هر کدام از مالکین مشاعی پلاک مذکور به نظریه و تصمیم این اداره اعتراض دارند می‌توانید طی مدت ده روز پس از انتشار آگهی به دادگاه صالحه شهرستان مراجعه نموده و گواهی مربوطه را به این اداره ارائه نمایید بدیهی است بعد از مهلت مقرر عملیات ثبتی وفق مقررات ادامه خواهد یافت.
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه شش مشهد- هادی ریحانی

مستند ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری:
برابرنامه شماره ۱۱/۱۴۰۱/۲۱۱۷۳ مورخه ۱۴۰۱/۸/۲۸ شهرداری منطقه ۱۱ مشهد در پاسخ به درخواست شماره ۱۴۰۱/۸/۲۳/۶/۱۵۲۹۲ متقاضی با عنایت به اینکه پلاک مورد درخواست حد نصاب ضابطه جهت افراز طبق ضوابط طرح تفصیلی در محدوده مورد نظر را ندارد فلذا افراز پلاک فوق برابر ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری‌ها مجاز اعلام نگردیده است.
تصمیم:
با عنایت به گزارش نماینده و نقشه‌بردار منتخب مستند به سوابق ثبتی نظر به اینکه مورد تقاضای افراز در اجرای ماده ۱۵۴ اصلاحی قانون ثبت و ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری‌ها شهرداری منطقه ۱۱ مشهد افراز پلاک مزبور را از لحاظ ضوابط فنی و مقررات شهرداری مجاز ندانسته فلذا به استناد ماده ۵ آئین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع رأی به رد افراز ملک مرقوم صادر و اعلام می‌گردد و مراتب به کلیه مالکین مشاع ابلاغ می‌گردد تا چنانچه اعتراضی دارند حسب ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ اعتراض خود را تسلیم دادگاه محل وقوع ملک نموده و گواهی طرح دعوی را به این اداره تحویل نمایند. م.الف ۶۵۶ آ-۴۰۱۱۲۷۸۶
رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد- هادی ریحانی

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای رضا رحمانی دارای شناسنامه شماره ۵۷۴۹۱۹۶۶۳۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۷/۳۶۳/۱۴۰۱ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی رحمانی به شناسنامه ۵۷۴۹۵۳۴۲۱۹ در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۵ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :
۱.رضا رحمانی فرزند علی کد ملی ۵۷۴۹۱۹۶۶۳۱ ت.ت ۱۳۵۲/۱/۹ نسبت فرزند مرحوم
۲.حسین رحمانی فرزند علی کد ملی ۵۷۴۹۱۹۶۶۴۱ت.ت ۵۳/۵/۲۰ نسبت فرزند مرحوم
۳. محمد رحمانی فرزند علی کد ملی ۵۷۴۹۷۷۱۴۷۴ ت.ت ۵۸/۱/۹ نسبت فرزند مرحوم
۴. فاطمه رحمانی فرزند علی کد ملی ۵۷۴۹۸۱۹۷۸۷ ت.ت ۶۱/۶/۲۰ نسبت فرزند مرحوم
۵.صدیقه قدمیاری فرزند عبداله کد ملی ۵۷۴۹۶۱۹۱۴۱ ت.ت ۳۱/۱/۱۰ نسبت مادر مرحوم
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را باستناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد . آ-۴۰۱۱۲۱۸۲
سید حسن سامغانی قاضی شورا شعبه هفتم شورای حل اختلاف زبرخان

اداره کل ثبت اسناد واملاک استان خراسان جنوبی
اداره ثبت اسناد واملاک حوزه ثبت ملک نهبندان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

اگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۸۰۰۴۰۰۰۲۲۵ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۲۳ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک نهبندان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای بهزاد شهابی فرزند هدایت اله به شماره شناسنامه۷۹ صادره از مود و به شماره ملی ۰۶۵۱۰۹۳۳۰۹ در پرونده کلاسه ۱۴۰۰۱۱۴۴۰۸۰۰۴۰۰۰۰۱۷ نسبت به ششدانگ یک باب باغ منزل محصور به مساحت ۱۰۴۲/۱ متر مربع پلاک ۴ فرعی وقسمتی از پلاک ۳ فرعی از ۶۰-اصلی مزرعه احمد آباد واقع در خراسان جنوبی بخش ۵ حوزه ثبت ملک نهبندان که به صورت مع الواسطه از مالکین به نام (عصمت وطاهره وضیاالدین وحسام الدین وشهاب ورقیه ومسعوده شهرت همگی شهابی وامان اله ثقفی واقدس ثقفی) خریداری ومحرز گردیده است.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز اگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین اگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسیدظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۴۰۱۱۲۷۹۱
تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۱/۰۹/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۱/۱۰/۱۵
سید مهدی پروین محبی-رئیس ثبت اسناد واملاک

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای محمد جهان بخش به وکالت از خانم ناهید صالحی کیا به استناد دو برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی به شماره ۱۶۰۰۵۷۸_۱۴۰۱/۰۴/۰۲ جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یکباب منزل مسکونی با پلاک ۳۵۶ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۱۶ مشهد - سرخس متعلق به موکل ایشان می باشد و دراثر سهل انگاری مفقود گردیده است ،لذا با بررسی دفتر املاک مشخص گردید: سند مالکیت اصلی ششدانگ یکباب منزل با پلاک فوق بشماره ۸۳۷۸۰۰ سریال به نام ناهید صالحی کیا صادر و تسلیم گردیده است . و پلاک فوق به شماره مستند ۳۸۲۶_۱۳۸۷/۰۳/۲۲ به مبلغ ۱۷۸۷۱۴۸۸۸ ریال در رهن بانک مسکن میباشد . دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگرددو هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود است بایستی ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. آ-۴۰۱۱۲۷۹۲
تاریخ انتشار:۲۹ /۱۴۰۱/۰۹
حجت بصیرت زاده -مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک سرخس
از طرف جواد درویش زاده

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی شایسته پور با ارائه وکالتنامه شماره ۷۴۸۹ و ۷۴۸۸ و ۷۴۹۲ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ دفترخانه ۷۹ فریدون کنار و تفویض وکالت شماره ۴۷۲۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۷ دفترخانه ۲۰۶ مشهد و دو برگ استشهادیه وتقاضای کتبی به وکالت از طرف آقای عسکری حاجی اسماعیل نژاد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه ومدعی است سند مالکیت تمامت ۲۵۰ سهم مشاع از ۳۲۴۴۴۰۹۱ سهم ششدانگ پلاک ۳۹۲ فرعی از ۸۲ اصلی بخش ۸ چناران بعلت سهل انگاری مفقود شده است و برابر سیستم جامع املاک تمامت مورد نظر ذیل دفتر الکترونیکی شماره ۱۳۹۹۲۰۳۰۶۰۰۹۰۰۴۸۹۲ بنام عسکری حاجی اسماعیل نژاد ثبت و سند مالکیت به شماره سریال ۰۱۳۵۶۱ سری ه ۹۸ صادر گردیده است سامانه جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. به استناد ماده ۱۲۰ایین نامه قانون ثبت املاک متذکر میگرددهر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده ویا مدعی وجود سندمالکیت نزد خودمیباشد باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود راضمن ارائه اصل سند معامله تنظیم شده تسلیم نماید.درغیر این صورت پس از انقضای مهلت مقرر وعدم ارسال اعتراض سند مالکیت المثنی طبق مقررات صادر وبه متقاضی تحویل خواهد شد. آ-۴۰۱۱۲۷۹۵
مرتضی ولایتی-رییس ثبت اسناد واملاک چناران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی شایسته پور با ارائه وکالتنامه شماره ۷۴۸۹ و ۷۴۸۸ و ۷۴۹۲ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ دفترخانه ۷۹ فریدون کنار و تفویض وکالت شماره ۴۷۲۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۷ دفترخانه ۲۰۶ مشهد و دو برگ استشهادیه وتقاضای کتبی به وکالت از طرف آقای روح اله حسن پور سرحمامی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه ومدعی است سند مالکیت تمامت ۲۵۰ سهم مشاع از ۳۲۴۴۴۰۹۱ سهم ششدانگ پلاک ۳۹۲ فرعی از ۸۲ اصلی بخش ۸ چناران بعلت سهل انگاری مفقود شده است و برابر سیستم جامع املاک تمامت مورد نظر ذیل دفتر الکترونیکی شماره ۱۳۹۹۲۰۳۰۶۰۰۹۰۰۴۸۷۴ بنام روح اله حسن پور سرحمامی ثبت و سند مالکیت به شماره سریال ۰۱۳۵۵۱ سری ه ۹۸ صادر گردیده است سامانه جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. به استناد ماده ۱۲۰ایین نامه قانون ثبت املاک متذکر میگرددهر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده ویا مدعی وجود سندمالکیت نزد خودمیباشد باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود راضمن ارائه اصل سند معامله تنظیم شده تسلیم نماید.درغیر این صورت پس از انقضای مهلت مقرر وعدم ارسال اعتراض سند مالکیت المثنی طبق مقررات صادر وبه متقاضی تحویل خواهد شد. آ-۴۰۱۱۲۷۹۶
مرتضی ولایتی-رییس ثبت اسناد واملاک چناران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی شایسته پور با ارائه وکالتنامه شماره ۷۴۸۹ و ۷۴۸۸ و ۷۴۹۲ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ دفترخانه ۷۹ فریدون کنار و تفویض وکالت شماره ۴۷۲۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۷ دفترخانه ۲۰۶ مشهد و دو برگ استشهادیه وتقاضای کتبی به وکالت از طرف آقای طاها فامیلیان جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه ومدعی است سند مالکیت تمامت ۲۵۰ سهم مشاع از ۳۲۴۴۴۰۹۱ سهم ششدانگ پلاک ۳۹۲ فرعی از ۸۲ اصلی بخش ۸ چناران بعلت سهل انگاری مفقود شده است و برابر سیستم جامع املاک تمامت مورد نظر ذیل دفتر الکترونیکی شماره ۱۳۹۹۲۰۳۰۶۰۰۹۰۰۴۸۸۷ بنام طاها فامیلیان ثبت و سند مالکیت به شماره سریال ۰۱۳۵۵۸ سری ه ۹۸ صادر گردیده است سامانه جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. به استناد ماده ۱۲۰ایین نامه قانون ثبت املاک متذکر میگرددهر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده ویا مدعی وجود سندمالکیت نزد خودمیباشد باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود راضمن ارائه اصل سند معامله تنظیم شده تسلیم نماید.درغیر این صورت پس از انقضای مهلت مقرر وعدم ارسال اعتراض سند مالکیت المثنی طبق مقررات صادر وبه متقاضی تحویل خواهد شد. آ-۴۰۱۱۲۷۹۸
مرتضی ولایتی-رییس ثبت اسناد واملاک چناران

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی شایسته پور با ارائه وکالتنامه شماره ۷۴۸۹ و ۷۴۸۸ و ۷۴۹۲ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ دفترخانه ۷۹ فریدون کنار و تفویض وکالت شماره ۴۷۲۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۷ دفترخانه ۲۰۶ مشهد و دو برگ استشهادیه وتقاضای کتبی به وکالت از طرف آقای عیسی اله راعی بندیی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه ومدعی است سند مالکیت تمامت ۲۵۰ سهم مشاع از ۳۲۴۴۴۰۹۱ سهم ششدانگ پلاک ۳۹۲ فرعی از ۸۲ اصلی بخش ۸ چناران بعلت سهل انگاری مفقود شده است و برابر سیستم جامع املاک تمامت مورد نظر ذیل دفتر الکترونیکی شماره ۱۳۹۹۲۰۳۰۶۰۰۹۰۰۴۸۷۹ بنام عین اله راعی بندیی ثبت و سند مالکیت به شماره سریال ۰۱۳۵۵۴ سری ه ۹۸ صادر گردیده است سامانه جامع املاک بیش از این حکایتی ندارد. به استناد ماده ۱۲۰ایین نامه قانون ثبت املاک متذکر میگرددهر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده ویا مدعی وجود سندمالکیت نزد خودمیباشد باید ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود راضمن ارائه اصل سند معامله تنظیم شده تسلیم نماید.درغیر این ص